گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهید منا حاج محمدرضا جلالی

رزمنده مدافع حرمی که شهید منا شد

آن قدر در مراسم شهدای مدافع حرم مداحی کرد تا سرنوشت خودش هم شبیه آنها شد

■ **صغری خیل فرهنگ**

با مرور زندگی برخی از شهدای فاجعه منا، به نکات جالبی برمی‌خوریم که حائز اهمیت است. به عنوان نمونه شهید حاج محمدرضا جلالی، از شهدای این فاجعه تاریخی، رزمنده مدافع حرم بود که شهادت را در سرزمین شام جست‌وجو می‌کرد، اما قسمتش این بود که در کنار چند هزار حاجی مظلوم دیگر، در منا به شهادت برسد. گفت‌وگو با رقیه شاکر، همسر شهید نیز در پی آن است تا منزلت شهدای مظلوم منا هرچه بیشتر بر خوانندگان صفحه ایثار و مقاومت نمایان شود. با این توضیح که این گفت‌وگو از پیش تهیه شده بود، اما به دلیل قرار داشتن در هفته بزرگداشت دفاع مقدس، با کمی تأخیر تقدیم حضورتان می‌شود.

زندگی مشترکتان با شهید جلالی از چه زمانی آغاز شد؟ کمی از همسر شهیدتان بگویید.

حاج رضا متولد ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ و از اهالی تبریز بود. وقتی به خواستگاری‌ام آمد می‌گفت قرار است به استخدام سپاه درآید. دو ماه بعد وارد سپاه پاسداران شد. تا حدودی با شرایط زندگی با یک فرد نظامی آشنا بودم، چرا که پدرم هم نظامی بود. می‌دانستم شغل یک نظامی اقتضائات خاص خودش را دارد اما منهای این سختی‌ها زندگی با یک پاسدار به دلیل اعتقادات عمیق دینی و روحیه ایثارگری خیلی شیرین بود. ما ۲۷ مرداد ۱۳۸۵ عقد و ۵ شهریور ۱۳۸۶ ازدواج کردیم. ثمره سال‌ها زندگی من با شهید فرزندانی به نام‌های فاطمه هشت ساله و مصطفی ۱۶ ماهه است. مصطفی زمان شهادت پدرش تنها چهار ماه داشت.

گویا همسرتان از اولین رزمندگان مدافع حرم بودند؟

بله، رضا جزو اولین کسانی بود که برای دفاع از حریم آل‌الله راهی سوریه شد. ایشان به طور کاملاً داوطلبانه و با اختیار کامل در سوریه حضور پیدا کرد. با توجه به شرایط آن روزها و امنیتی بودن این اعزام‌ها مقصد و محل مأموریتشان را حتی به خانواده اطلاع ندادند. خود من هم ابتدا از مقصد مأموریتش بی‌اطلاع بودم. بعدها متوجه شدم که او برای دفاع از حرم اهل بیت راهی سوریه شده است. نگرانی‌ام در این خصوص طبیعی بود. منطقه جنگی بود و مخاطرات خاص خودش را داشت. می‌دانستم این راهی که حاج محمدرضا و مدافعان حرم انتخاب کرده‌اند اسارت دارد، مجروحیت دارد، شهادت دارد. همه این اتفاقات وجوددارد. بنابراین مانگرانی‌های خودمان را داشتیم.

همسرتان مدافع حرم بودند، اما در منا به شهادت رسیدند، نگاه شما به این موضوع چیست؟

بله، همسرم برای دفاع از حرم راهی شده بود و قرار هم بود بعد از بازگشت از سفر حج، دوباره راهی شود. جالب است که سفر حج رضا بدون ثبت نام قبلی بود و در عرض پنج ماه مقدماتش فراهم شد. این سفر دوم حاج رضا به مکه بود و ابراز ناراحتی می‌کرد که چقدر فاصله بین این سفر با سفر قبلی که از طریق عمره دانشجویی اعزام شده بود، زیاد شده است. همسرم به پیشنهاد یکی از جانبازان قطع نخاع حاج رحیم صلحی و برای همراهی و کمک به ایشان به این سفر رفت و بعد از واریز فیش حج و انجام مقدمات لازم راهی شد. به نظرم حکمتی در کار بود که رضا در منا به شهادت برسد.

با توجه به جو و حال و هوای مبهم آن روزها، چطور از شهادت همسرتان مطلع شدید؟

با شنیدن خبر حادثه منا برای حجاج عزیز کشورمان بسیار نگران شده و انتظار کشیدم. می‌توان گفت انتظار کشنده. بعد از ۱۱ روز از آن فاجعه، خبر پیدا شدن پیکر و تأیید شهادت ایشان به ما داده شد. مسئولان عربستانی اجازه درج اخبار را نمی‌دادند و من از طریق سازمان حج و زیارت پیگیر بودم. تمام اطلاعات ما از شهادت ایشان در حد فرضیه‌هایی هستند که تا به حال هیچ مرجع رسمی تأیید نکرده است. خبر غیر قابل باور بود. من تا ۱۱ روز از حاج رضا بی‌اطلاع مانده بودم. لحظاتی سخت و غیر قابل توصیف. اما امید محض به سلامتش داشتم و هیچ وقت نشد در این ۱۱ روز یک لحظه به شهادتش فکر کنم و مدام به خودم می‌گفتم امکان ندارد اتفاقی برای او افتاده باشد. در نهایت برادر همسرم خبر شهادتش را به من داد.

اینکه یک رزمنده مدافع حرم به جای میدان جنگ در منا به شهادت برسد، برایتان عجیب نبود؟

اتفاقاً با شنیدن خبر شهادت حاجی در بهت محض فرو رفتم و چند روز حتی توان اشک ریختن نداشتم. فقط خدا می‌داند چه بر سر من و بقیه آمد. با وجود شناختی که از روحیه شهادت‌طلبی و رزمندگی ایشان داشتم، هیچ‌گاه چنین تصوری نداشتم. رضا سالی یک بار هم به عنوان مداح کاروان به کربلا می‌رفت. با وجود دلتنگی‌هایمان انتظار برگشتش را داشتم. حادثه تلخی بود. حادثه‌ای که به فرموده رهبری نباید فراموش شود. در دیداری که با امام خامنه‌ای داشتیم ایشان با تأکید بر این موضوع فرمودند: «اینکه ما گفتیم این [حادثه] فراموش نشود، صرفاً برای از دست دادن عزیزان نیست، حادثه مهم است، حادثه دارای ابعاد گوناگونی است، حادثه از لحاظ سیاسی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ اخلاقی و دینی، روشنگر است. خب، برای ما مردم ایران و لابد برای بازماندگان این شهدا در سایر کشورها، حادثه، حادثه غم‌انگیزی است؛ این [غم] طبیعی و قهری است. دل‌های ما پر از غم است، پر از اندوه است. گذشتِ زمان اهمّیت این حادثه و غم این حادثه را از سینه‌های ما و دل‌های ما نزدوده است.» همسرم مهاجر الی الله شد و در ۲ مهر ۱۳۹۴ مزد همه مجاهدت‌هایش را گرفت.

عکس العمل بچه‌ها در شهادت پدر چه بود؟ با این موضوع چطور کنار آمدند؟

پسرم مصطفی زمان شهادت پدر چهار ماهه بود. برای همین تصویری از پدر در ذهن نخواهد داشت اما فاطمه که هشت ساله است و با توجه به ارتباط عمیق و عاطفی پدرش با او دائم ایام و دورانی را با خود مرور می‌کند که همسرم در جمع ما حضور داشت. فاطمه دختر آرام و فهمیده‌ای است. وقتی فاطمه از خواب‌هایش از پدرش برایم صحبت می‌کند، متوجه اوج دلتنگی‌اش برای او می‌شوم. فاطمه می‌گوید: «میدونم حال بابا تو بهشت پیش خدا خوبه اما کاش خدا اجازه بده بابا فقط چند دقیقه بیاد پیش من و برگرده.»

امروز بحث دفاع از حرمین شریفین در برخی از محافل مورد انتقاد است. برخی صحبت از چرایی حضور رزمندگان مدافع حرم در بیرون از مرزهای کشور می‌کنند. شما چه نظری دارید؟

در خصوص بحث دفاع از حرم و سوریه شاید بتوان چند نوع استدلال داشت. استدلال منطقی می‌تواند این باشد که رزمندگان ما خط دفاعی یعنی خط مقدم نبرد ما را دورتر از مرزهای خودمان حفظ کرده و در آنجا جهاد می‌کنند. البته این استدلال برای خود من چندان خوشایند نیست اما استدلال عقلانی است برای کسانی که در تمام مسائل به دنبال دلیل عقلی هستند.

دلیل مهم‌تر از آن بحث دفاع از مقدسات است. مسلمانان باید فریادرس همنوعان خود باشند. مسلمانانی که با تجاوز مسلمان نماهای تکفیری از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند، روا نیست ما شیعیان بنشینیم و نظاره‌گر باشیم تا بی‌بی‌زینب(س) برای بار دیگر به اسارت درآید. مرحبا به غیرت شیرمردانی که با وجود اراده و اختیار کامل و علم به اینکه با چه دشمن وحشی صفتی باید رویارو شوند، باز عازم میدان نبرد می‌شوند و می‌روند تا به فرموده امام خمینی پرچم اسلام را در آن سوی مرزها به اهتزاز درآورند. امید است با ظهور آخرین حجت خدا عدل و داد جهانی حکمفرما شود و هیچ مظلومی در زیر چکمه‌های کثیف ظلم لگدمال نشود.

مسلما برای کسی که شهادت را در جبهه دفاع از حرم جست‌وجو می‌کرد، شهادت در حریم امن الهی، در سرزمین منا هم اجری کمتر از آن ندارد. رضا هم عاشق شهادت بود و هم مرام و مسلکش شبیه شهدا شده بود. اخلاص در عمل و تقوایی که داشت را می‌توانم از بارزترین خصوصیات ایشان بدانم. رضا بسیار ولایی و حسینی بود. با توجه به ارتباط خوب همسرم با اقشار مختلف جامعه و اخلاق خوبش، مراسم تشییع پیکرش باشکوه هر چه تمام برگزار شد و به جرئت می‌توان گفت که مشابه چنین مراسمی در سطح استان ما (آذربایجان شرقی) شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. همسرم به رعایت ادب شهرت داشت و بسیار خوش اخلاق بود. اهل صله ارحام بود و مداح اهل بیت بود. همه این صفات در کنار ولایتمداری اش، او را لایق شهادت کرده بود، حالا چه در منا و چه در سوریه.

چقدر سبک زندگی همسرتان همراه و همسو با شهدا شده بود؟

خیلی زیاد، حاج رضا انس و الفت عجیبی با شهدا داشت و عاشق شهدا بود. عموی رضا شهید دفاع مقدس است؛ شهید احد جلالی. همسرم معاون فرهنگی لشکر عملیاتی سپاه عاشورا بود و از این رو هر شهید مدافع حرمی را که برای تشییع می‌آوردند حاجی تمام مراسمش اعم از کارهای فرهنگی و مداحی را به عهده می‌گرفت. آنقدر خاضعانه و با اخلاص برای شهدا کار می‌کرد که «سفیر شهدا و ولایت» نام گرفت.

طبیعتاً این دوستی در زندگی و سبک زندگی دینی ایشان تأثیر خودش را داشت. عشق به شهادت را در وجودش می‌دیدم و احترام خاصی برای خانواده شهدا قائل بود. همواره گلزار شهدا می‌رفت و به رفتن به گلزار سفارش می‌کرد. خوب است خاطره‌ای از شهید مدافع حرم عباس عبداللهی را برایتان روایت کنم. یک روز شهید عبداللهی به همسرم می‌گوید: «حاج رضا قول بده اگر من شهید شدم، مداحی مراسم من را انجام بدهی!» حاجی هم به ایشان می‌گوید: «به شرطی مداحی مراسمت را انجام می‌دهم که شما هم دعا کنی من شهید شوم.»

امروز جای خالی رضا در مراسم‌های تشییع شهدای مدافع حرم به خوبی احساس می‌شود. آنقدر برای آنها خواند و مداحی کرد و با شهدا زندگی کرد که در نهایت خودش هم شهید شد و در کنار شهدای وادی الرحمه تبریز آرام گرفت. صوت زیبای «اللهم ارزقنا شهادت فی سبیلک»های دعای قنوت نمازهای صبحش را همواره در ذهنم به یادگار خواهم سپرد.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید برایمان بفرمایید.

از مسئولان استدعا دارم در رابطه با فاجعه منا و خونخواهی عزیزانمان وارد عمل شوند. اینکه یک سال از شهادت مظلومانه عده کثیری از حجاج سپری شده و هنوز اقدام عملی در راستای احقاق حق این شهدا صورت نگرفته است، جای تاسف دارد. اگر گاهی هم سخنی از طرف برخی از مسئولان به میان می‌آید بحث اخذ دیه است! مسئله اصلی من و خانواده‌های دیگر لزوم پاسخگویی حکام ملعون سعودی است. اینکه چطور ممکن است با وجود هزاران دوربین در محل فاجعه، متوجه رخ دادن این فاجعه عظیم نشده باشند! چرا بعد از مشاهده وضعیت، اقدام لازم برای احیای حادثه‌دیدگان نشده است؟ چرا زنده و مرده بدون بررسی علایم حیاتی در کانتینرها انباشته شدند تا جان دهند؟ چرا با بی‌احترامی تمام نسبت به پیکرهای مطهر شهدا عمل کردند؟! و اینکه چرا هنوز با گذشت یک سال از این فاجعه کمیته حقیقت یاب تشکیل نشده است و نمی‌شود؟ متأسفیم از اینکه سایر بلاد اسلامی روزه سکوت گرفته‌اند و صم بکم نشسته‌اند! اینان خائن الحرمین هستند، اینها رسمشان مهمان کشی است، شجره‌نامه اینها پر از خباثت است، چرا باید اداره امن‌ترین حرم الهی به دست این شیاطین کوچک سپرده شود؟ ما خواستار وحدت اسلامی برای پاکسازی حرمین از لوث وجود این شجره خبیثه و ملعونه هستیم.

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۹۲۳

نگاه

فرمانده سابق سپاه هم موافق اتمام جنگ بعد از فتح خرمشهر است؟

■ **علیرضا محمدی**

«باید سر مرز جنگ را متوقف می‌کردیم» این جمله پرمعنا که مناقشه‌ای تاریخی- سیاسی برسر آن وجود دارد تیتر اول یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای در روز پنجم مهرماه بود که با روتیتر «تحلیل محسن رضایی از رخدادهای پس از فتح خرمشهر» شمایل پرمعناتری می‌یابد. ماجرایش هم به سخنان سوم مهرماه محسن رضایی در برنامه «تیتر امشب» برمی‌گردد که مثل همیشه نکات جالبی در خود داشت. آقای رضایی که عادت دارند هر سال در مناسباتی چون فتح خرمشهر یا هفته دفاع مقدس، خرق عادت کرده و به نکاتی از جنگ تحمیلی بپردازند که بوی ناگفته یا کمتر گفته شده از آن به استشمام می‌رسد، این بار نیز ترک عادت نکرده و سخنان قابل تأملی را مطرح ساختند.

امسال اما برخلاف سال‌های گذشته، به نظر می‌رسد سخنان آقای رضایی در کنار قابل توجه بودن، نکته تازه‌ای دربرنداشت الا اینکه فرمانده سابق سپاه، نظرات شخصی خودش را در پاسخ به سؤالات نسبتاً خاص مجری برنامه مطرح کرده بود. در بخشی از این برنامه مجری می‌پرسد: اگر بار دیگر فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس می‌شدید، همان راهبرد و مسیر را طی می‌کردید؟ آقای رضایی نیز تأکید می‌کند: «مسیر همان بود. بعضاً در فرماندهی، اصلاحات جدی می‌دادیم. در عملیات‌ها رعایت می‌کردیم. در بعد غافلگیری بیشتر رعایت داشتیم. در بعضی عملیات با احتیاط بیشتری پیش می‌رفتیم. (به عنوان نمونه) در کربلای ۴ به جای ۳۰ گردان می‌توانستیم با ۱۵ گردان بفهمیم که دشمن کجا ضعیف است و کجا قوی...»

رضایی در همین بخش اشاره‌ای به موضوع ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر می‌کند که مورد مناقشه برخی از گروه‌های سیاسی نیز است. وی می‌گوید: بعد از آزادی خرمشهر می‌توانستیم وقفه شش، هفت ماهه بدهیم و وارد خاک عراق نشویم. اعلام هم می‌کردیم که اگر دولت عراق خواسته‌های ما را عمل نکند ما وارد عراق می‌شویم. حتماً او به ما پاسخ نمی‌داد. اما خود ما بدون اینکه چنین سند تاریخی ایجاد کنیم، سرمان را انداختیم پایین و از مرز عبور کردیم.»

فرمانده سابق سپاه به صراحت اعلام می‌کند که می‌توانستیم وقفه‌ای (نه توقف) بدهیم و خواسته‌هایمان را مطرح کنیم اما «حتماً او (دشمن) پاسخ نمی‌داد. اما ما چنین نکردیم و یک «سند تاریخی» ایجاد نکردیم.» اصل موضوع هم این است که رضایی حسرت می‌خورد چرا «سند تاریخی» برای بستن دهان برخی از گروه‌های سیاسی که داعیه چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را دارند، حاصل نیامده است. خود رضایی در ادامه حرف‌هایش خیلی صریح بیان می‌کند وقفه چند ماهه در سرمرزها و ارائه خواسته‌هایی چون قبول مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق «شاید تأثیری از نظر عملی نداشت» اما «از نظر سیاسی و سندی به درد امروز ما می‌خورد. در بحث‌های فرماندهان و دوستان سیاسی هم شاید بهتر می‌توانستیم یکدیگر را قانع کنیم.» بنابراین فرمانده سابق سپاه بدون اینکه موضوع توقف جنگ را مطرح کند، تنها ابراز ناراحتی می‌کند که چرا با یک وقفه کوتاه مدت، فرصت بستن دهان منتقدانی را که بعدها مسائل انحرافی را مطرح کردند، حاصل نیامد.

بعد از این سخنان رضایی بود که ابتدا شبکه معلوم الحال بی‌بی‌سی، طبق روال مرسومش به انتخاب بخش‌هایی از سخنان وی و تفسیر به نفع آن می‌پردازد و این طور القا می‌کند که فرمانده سابق سپاه هم موافق توقف جنگ در مرزها پس از فتح خرمشهر است. موضوعی که به اذعان خود رضایی اگر واقعاً رخ می‌داد می‌توانست «هزینه‌های سنگینی را ۴۰، ۵۰ سال» به ملت ایران تحمیل کند اما همانطور که ابتدای گزارش نیز آمد، در دنباله‌روی این شبکه بیگانه برخی از نشریات داخلی نیز به گزینش سلیقه‌ای این سخنان پرداختند.

ذکر این نکته ضروری است که یکی از داعیه‌داران عدم تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر اعضای گروهک منحله نهضت آزادی هستند که بارها در بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و حتی کتاب‌هایشان (به عنوان نمونه کتاب انقلاب ایران در دو حرکت نوشته مهندس بازرگان) به موضوع تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر حمله کرده و آن را نکوهش کرده‌اند. در صورتی که همین حزب منحله در فاصله یک ماه و تقریبا ۲۰ روزه بعد از فتح خرمشهر و شروع عملیات رمضان هیچ بیانیه رسمی در خصوص عدم ورود به خاک عراق و اتمام جنگ صادر نکرد و تنها بعد از عدم الفتح رمضان و گره خوردن جنگ در میادین نبرد، از آب گل آلود ماهی گرفت و ختم جنگ بعد از فتح خرمشهر را مطرح ساخت.

با توجه به سبقه تاریخی «موضوع تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر» به نظر می‌رسد مناقشه بر سر سخنان اخیر آقای رضایی، عقده‌گشایی برخی از جریان‌های فکری است که سعی دارند با یارکشی فرضی در این خصوص، دست به تخریب داشته‌های ارزشمند دفاع مقدس بزنند که در رأس آن حضرت امام، ملت ایران و البته رزمندگان جان برکف حضور داشتند. در صورتی که تکلیف عملکرد کلی نظام اسلامی در مقوله جنگ تحمیلی را امام خمینی(ره) پیشتر به وضوح مشخص کرده‌اند. آنجا که بیان می‌دارند: «ما در جنگ برای یک لحظه هم از عملکرد خود نادم و پشیمان نیستیم.»

جدول

از راست به چپ

■ ۱- دلاور تورانی در شاهنامه – نمایش کوتاه ■ ۲- قلاب سنگ – اولین ماه قمری – بسیار ■ ۳- از اسامی بانوان – ضمیمه شدن، پیوستگی – واحد بازی والیبال ■ ۴- صدمه – درس کشیدنی – صورت – خالق سبک شناسی ■ ۵- حکومت ضد دینی – نوعی مار خطرناک – بخار دهان ■ ۶- علامت اختصاری سازمان جهانی هواشناسی – ابزار – سبزی خوراکی خودرو ■ ۷- از شهرهای آذربایجان شرقی – شغل و وظیفه سفیر – چغندر پخته ■ ۸- خدای یهود – مجموعه نماهای فیلم – نان نازک ■ ۹- منطقه قرمز تشک کشتی – پایان، نهایت – موسیقی ■ ۱۰- نوعی پارچه قیمتی – حلال و جایز – نوعی یقه ■ ۱۱- پوزه – اسب حنایی – از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری امریکا ■ ۱۲- ضمیر اشاره جمع – پهلوان – آش برنج – دشنام ■ ۱۳- تیراندازی کردن – دست یکدیگر را فشردن – ناپدید شدن ستاره ■ ۱۴- پهناور – نماینده – سولفات ارسنیک ■ ۱۵- ضد آب – نقاشی روی شیشه

از بالا به پایین

■ ۱- روش راه افتادن فرد خسته یا زخمی – وصله ناپیدا ■ ۲- پرتاب گلوله – چوبدستی ساربانان – از عتبات عالیات عراق ■ ۳- معدن – روزنامه پرتیراژ فرانسوی – مقاصد ■ ۴- پایتخت سامانیان – عدد منفی – خوردنی نامأکول – گلو در گویش تهرانی‌ها ■ ۵- درخت زبان گنجشک – بالاترین رنگ – پافشاری ■ ۶- اثر تربیتی ژان‌ژاک روسو – سرنیزه – شهری در جنوب لبنان ■ ۷- سه کیلو – کلاه مردانه لبه‌دار – پادشاه ماد که همدان را پایتخت خود برگزید ■ ۸- دفترخانه – درک و فهم متقابل – پیچیدن ■ ۹- از جنگ‌های مسلمانان در ناحیه شام که رومیان در آن شکست خوردند – توبه کردن – پاسخ جدول ■ ۱۰- از حروف شرط – بازار اوراق بهادار – آلت نوازندگی ویولون ■ ۱۱- خوبی‌ها – غیر ممکن – سوی و طرف ■ ۱۲- فیس و افاده – سرسرا – سرمربی فوتبال آلمان – زبردستی ■ ۱۳- پایتخت لتونی – نمای نزدیک در سینما – مرتجع فلزی ■ ۱۴- دف – زمین بی‌حاصل – تیم فوتبالی در اسپانیا ■ ۱۵- نابود کردن – سراینده مثنوی آفرین نامه

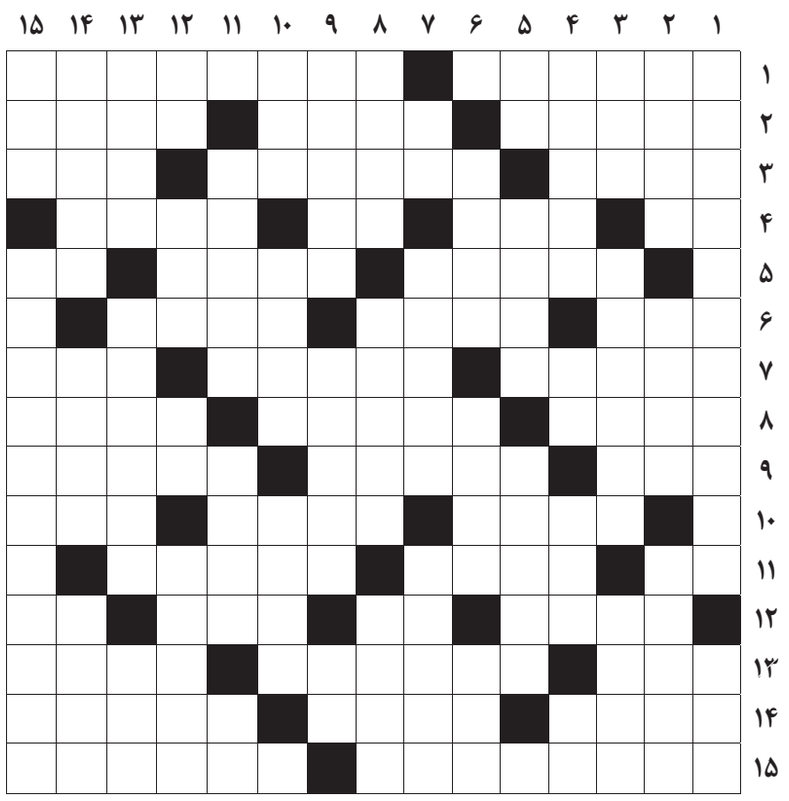

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵		۶					۱	
	۷		۱					۴
		۱						۵
۹				۵				
۳	۶			۸				
						۲	۶	۱
	۵				۲			
۱		۷		۹				
					۳	۹	۴	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۹۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ی	ر	■	ت	ف	ک	ی	ک	■	ا	م	ر	ز	ش
۲	خ	ل	و	■	ت	■	د	ا	ک	■	ر	ش	و	■	ش
۳	ل	ه	■	ص	و	ر	■	ه	■	م	ن	ق	ا	ر	■
۴	و	■	ا	ن	ب	ا	ر	■	ک	و	ز	■	ل	ا	ک
۵	خ	ت	م	ی	■	ل	ا	ل	ه	ز	ا	ر	■	م	و
۶	ر	ی	■	ف	ر	■	ه	م	و	■	د	ی	د	ا	ر
۷	چ	م	ل	■	د	و	ب	ا	ر	ه	■	م	ر	■	س
۸	ز	■	ب	ا	ل	ا	ن	■	ز	■	و	ا	ک	س	■
۹	ع	ز	ی	م	ت	■	ک	چ	■	م	ل	چ	■	ه	ر
۱۰	ی	ر	■	ا	■	ه	ب	ا	س	د	■	ب	ر	■	م
۱۱	م	ن	غ	■	ت	ا	ل	■	ر	ا	ح	ت	ی	■	ا
۱۲	■	گ	ا	ل	ر	ی	■	چ	■	ن	م	ک	■	چ	ن
۱۳	پ	■	ر	و	■	ب	ر	ا	و	■	و	■	ن	ا	ن
۱۴	ا	ت	ف	ا	ق	■	س	ی	ل	ا	ب	■	ب	ب	ر
۱۵	ا	ت	ف	ا	ق	■	س	ی	ل	ا	ب	■	ب	ب	ر